

علل انگیزش معلمان دوره ابتدایی استان کردستان به تحصیل در آموزش عالی

رضا محمدی

کارشناس ارشد آموزش بزرگسالان

دکتر زهرا صباغیان

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی

بهرام صالح صدق‌پور

دانشگاه شهید رجایی

چکیده

باتوجه به اینکه منابع انسانی ارزشمندترین منابعی هستند که کشورهای درحال توسعه می‌توانند از آنها برای نیل به توسعه بهره ببرند، لازم است که این جوامع در خصوص آموزش نیروی انسانی برنامه‌ریزی کنند. دانشگاهها بهترین مراکزی هستند که در هر کشور به تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جامعه می‌پردازند. سازمانهای آموزش و پرورش می‌توانند با همکاری دانشگاهها نیروی انسانی مورد نیاز خود را تأمین کنند. هدف از ارائه این مقاله آشنایی با علل گرایش معلمان دوره ابتدایی استان کردستان به تحصیل در دوره‌های آموزش عالی و ترتیب اولویت آنهاست.

روش تحقیق پیمایشی و برای جمع‌آوری اطلاعات از یک پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. جامعه آماری شامل کلیه معلمان دوره ابتدایی استان کردستان است که در مراکز آموزش عالی به تحصیل مشغول هستند. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای 260 نفر شامل 93 نفر زن و 167 نفر مرد

انتخاب شدند که با ارسال پرسشنامه، اطلاعات از آنها جمع آوری شد.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آزمون t ، تجزیه و تحلیل رگرسیون چندمتغیری و تحلیل واریانس استفاده شد. نتایج نشان داد که نیاز به ارتقای پایگاه اجتماعی ($B=1,195$)، نیاز به افزایش توانایی کاربرد دانش و مهارت‌های شغلی ($B=0,546$)، تمایل به تدریس در دوره‌های بالاتر تحصیلی ($B=-0,346$) و تمایل به احراز مشاغل بالاتر و مهم‌تر ($B=-0,0502$) بیشترین تأثیر را در گرایش معلمان دوره ابتدایی استان کردستان به تحصیل در دوره‌های آموزش عالی دارند.

در پایان با استفاده از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی و بهره‌گرفتن از یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل رگرسیون و ماتریس همبستگی (رابطه هر یک از متغیرها)، با استفاده از روش تحلیل مسیر نتیجه مطالعه به صورت یک مدل ترکیبی نظری - تجربی ارائه شده است.

کلیدواژگان: معلمان دوره ابتدایی، گرایش، تحصیلات دانشگاهی و پایگاه اجتماعی.

مقدمه

منابع انسانی ارزشمندترین منابعی هستند که کشورهای جهان از آن برخوردارند. طی سالیان دراز، از طریق آموزش و کارآموزی، منابع انسانی به نیروی پویایی برای توسعه شالوده اجتماعی و صنعتی تبدیل می‌شوند. بنابراین، تربیت نیروی انسانی ماهر برای پیشبرد اهداف اقتصادی و صنعتی کشور به منظور برآوردن نیازهای جامعه و رسیدن به خودکفایی ضروری است.

در گذشته، چنین تصور می‌شد که برای کار در مشاغل مختلف فقط مهارت‌های کارکردی مورد نیاز است، اما جامعه امروز ما، مانند بسیاری از جوامع درحال توسعه، با رشد شهرنشینی، پیچیدگی تکنولوژی، بحران زیست محیطی و تغییر نقشها در جامعه مواجه است. هر وضعیت جدیدی ساختارها، راهکارها و

برنامه‌های خاص خود را می‌طلبد. تحقق چنین امری نیز جز با «روزآمد کردن» مهارت‌ها ممکن نخواهد بود. در عصر جدید تکنولوژی به سرعت در حال پیشروی است. همگام با پیشرفت تکنولوژی، فرایندهای صنعتی نیز در حال تغییرند که بر اثر آن تغییر شغل یا ارتقای فرد به سمت‌های بالاتر، ادای وظایف مختلفی را ایجاب می‌کند. حداکثرکاری که یک نظام آموزشی می‌تواند انجام دهد، آماده ساختن افراد به گونه‌ای است که بتوانند خود را با تغییر نیازها منطبق سازند.

آموزش نیروی انسانی یکی از مطمئن‌ترین و اساسی‌ترین راه‌های بهسازی سازمانی است؛ آموزش نیروی انسانی علاوه بر آنکه استعداد‌های افراد را پرورش می‌دهد و روش‌ها و فنون انجام دادن کار را بهبود می‌بخشد، موجب کسب دانش و افزایش مهارت‌های شغلی نیز می‌شود. در جهان امروز، تقسیم و تخصصی کردن کارها تا آن حد پیشرفته است که دانش و اطلاعات همه کارکنان باید در فاصله‌های زمانی کوتاه تجدید یا حداقل ترمیم شود. مهندسان، پزشکان، متخصصان کامپیوتر، معلمان و مدیران ناگزیر به شرکت در آموزش‌های تکمیلی برای حفظ کارایی خود هستند که « بنا به تأکید کمیسیون کارنیگی «کارآموزی افراد برای عملکرد حرفه‌ای یکی از کارکردهای بسیار مهم آموزش عالی است» (کمیسیون کارنیگی^۱، 1997).

از سوی دیگر، معلمان در هر کشوری به عنوان سازندگان نسل آینده محسوب می‌شوند و نقش بسیار مهمی در توسعه دارند. با گذر زمان و با توجه به اینکه هر

۱ . The Carnegie Commission

روز و هر لحظه بر دانش بشر افزوده می‌شود، دانشجو بودن نیز ارزش بیشتری پیدا می‌کند. تا آنجا که «برخی از کشورهای جهان آموزش و پرورش دانشگاهی را به صورت همگانی رواج داده و نزدیک به 40 تا 50 درصد از گروه سنی مربوط را از نوعی آموزش عالی برخوردار ساخته‌اند» (جمعی از اساتید مدیریت، 1379). بنابراین، می‌طلبند که معلمان به عنوان مهم‌ترین عنصر نظام آموزشی از دانش روز بهره‌مند شوند.

تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که میزان تحصیلات بر درآمد، پایگاه اجتماعی و مهارت‌های مختلف افراد تأثیر دارد. اصل ششم از توصیه‌هایی در ارتباط با معلمان که به وسیله یونسکو تهیه شده است، می‌گوید: «تدریس باید به عنوان یک حرفه از حرفه‌های خدمات عمومی به شمار آید و از معلمان دانش کارشناسی و مهارت‌های تخصصی طلب کند که این‌گونه دانش و مهارت را طی تحصیلات عمیق و مستمر کسب کنند و کیفیت آن را همواره حفظ نمایند» (هلک، 1371).

در کشور ما درصد بالایی از معلمان را معلمان دوره ابتدایی تشکیل می‌دهند. این گروه از معلمان با توجه به اهمیت دوره ابتدایی باید مورد توجه ویژه قرار گیرند. در کشورهای مختلف، نهادهای آموزش و پرورش معلمان را در فواصل مختلف زمانی به منظور روزآمد ساختن دانش و مهارت‌هایشان آموزش می‌دهند. در کشور ما نیز آموزش معلمان با شیوه‌های مختلف انجام می‌گیرد که از جمله آنها آموزش ضمن خدمت و آموزش معلمان در مؤسسات آموزش عالی است. به

دلایل مختلف بعضی معلمان در این دوره‌ها شرکت می‌کنند و بعضی از آنها نیز تمایلی به شرکت در این دوره‌ها و ادامه تحصیل ندارند. اگرچه میل به آموختن و یادگیری در همه افراد ذاتاً وجود دارد، وجود بعضی عوامل به شدت و ضعف آن می‌انجامد. در این خصوص، این سؤال اساسی مطرح است که: علل گرایش معلمان دوره ابتدایی استان کردستان به تحصیل در دوره‌های آموزش عالی چیست؟

مبانی علمی موضوع

قدرت عمل یک حکومت یا یک سازمان تنها به قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی او وابسته نیست، بلکه به توانایی علمی و فنی که یکی از مهم‌ترین عوامل است نیز بستگی دارد. تبلور کار آموزش و پرورش تربیت نیروهای متعهد، دانشمند، متخصص و ماهر است. بررسی‌های مربوط به نیروی انسانی نشان می‌دهد که جوامع پیشرفته از بیشترین نیروهای کیفی و کارآمد برخوردارند و هر سال قسمت زیادی از بودجه و در آمد خود را صرف آموزش می‌کنند. کشورهایی که خواسته‌اند خود را به سطح بالاتری از رشد برسانند، از طریق آموزش و پرورش و تغییر در نظام آموزشی به چنین هدفی دست یافته‌اند.

کمیته‌ای از سازمان همکاری و توسعه اقتصادی پیشنهاد می‌کند که آموزش

ضمن خدمت معلمان باید:

الف. دانش و مهارت معلمان را توسعه دهد؛

ب. برای آنها فرصتی فراهم سازد تا معلومات و مهارت‌های آموزشی خود را در تمام زمینه‌های کاری توسعه دهند و بهبود بخشند؛

پ. آنها را آماده سازد تا موقعیت جدیدی را که در جامعه پدیدار می‌شود، درک کنند و با آن مواجه شوند تا بتوانند دانش آموزان خود را برای چالش‌های اقتصادی و اجتماعی آماده سازند؛

ت. آنان را برای کسب صلاحیت‌های بیشتر و رشد استعدادها و خلاقیت‌ها توانا سازد؛

ث. معیارهای فرهنگی و شغلی نیروی کار را به طور کلی بالا برد و قدرت ابداع و خلاقیت آنها را استحکام بخشد (صفوی، 1372).

جارویس² دلایل مشارکت بزرگسالان در فعالیتهای آموزشی و اهداف آنان از یادگیری را بیان کرده (جارویس، 1381) و به این نتیجه‌گیری کلی رسیده است که مشارکت در هر نوع فعالیت آموزشی معمولاً معلول چندین انگیزه است و این انگیزه‌ها یکدیگر را تقویت می‌کنند. وی روشی مفید تدوین کرد تا به طبقه‌بندی این انگیزه‌ها پردازد و فراگیران را به سه گروه تقسیم کرد:

1. فراگیران هدف مدار؛ 2. فراگیران فعالیت مدار؛ 3. کسانی که هدف اصلی آنان یادگیری به خاطر نفس یادگیری است. در داخل هر یک از این طبقات می‌توان

انگیزه‌های متفاوتی را ملاحظه کرد. جانستون و ریورا³(2002) انگیزه‌های نمونه‌های آماری خود را این گونه طبقه‌بندی کرده‌اند:

1. آماده شدن برای تصدی شغل جدید، استفاده از مهارتها در شغل کنونی؛
2. کسب اطلاعات بیشتر؛ 3. لذت بردن از اوقات فراغت؛ 4. انجام دادن بهتر کار منزل؛ 5. انجام دادن سایر وظایف روزمره؛ 6. ملاقات با افراد جدید؛ 7. فرار از کارهای تکراری روزمره؛ 8. سایر انگیزه‌ها (انگیزه‌های متفرقه).

از نتایج تمام این تحقیقات آشکار می‌شود که بیشتر دلایل اساسی بزرگسالان برای شرکت در دوره‌های آموزشی را اهدافی تشکیل می‌دهد که بسیار به هم شباهت دارند. دلایل این مشارکت همیشه به فراگیر باز نمی‌گردد، بلکه باید آن را محصول تنشی پویا که بین فراگیران و دنیای اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی وجود دارد، دانست.

در دنیای کنونی برای معلمان هر جامعه‌ای نیاز به گسترش اطلاعات در خصوص رشته مورد تدریس و کیفیت آن، با توجه به پیچیدگی تدریس مؤثر و کارآمد، موضوعی است که همواره باید به آن توجه کرد (جان⁴، 2000). یکی از رویکردهای اساسی برای رشد یادگیری یک معلم حرفه‌ای، شرکت در دوره‌هایی است که در دانشگاهها برگزار می‌شود. معلمان در طول نخستین سالهای تدریس خود بر روی دوره‌هایی که به آنها در کارشان کمک می‌کند بیشتر از دوره‌هایی که

۳ . Johnston & Rivera

۴ . John

برای برآوردن نیازهای درجات بالاتر طراحی شده‌اند، تمرکز می‌کنند (آرمسترانگ و همکاران⁵، 2001).

بنابراین، در آموزشهای شغلی معلمان باید به عوامل فراوانی از جمله سابقه خدمت و تجربه آنها نیز توجه کرد تا نتایج حاصل از برگزاری چنین دوره‌هایی به یأس و ناامیدی نسبت به شرکت در دوره‌های بعدی منجر نشود.

لورتی⁶ (1995) نیز در توصیف نقش بی‌همتای آموزش عالی در زمینه تربیت معلمان عقیده دارد که دانشگاهها باید نظم و انضباط لازم را در تدریس معلمان به آنها آموزش دهند (طاهری، 1377).

داویسون⁷ (1985) تلاشهای دانشگاه مونتانا شرقی را برای تأمین آموزش ضمن خدمت برای معلمان در نواحی روستایی با استفاده از کنفرانس از راه دور توصیف و پیشنهاد می‌کند که نبود مؤلفه دیداری این روش با استفاده از شبکه‌های ریز کامپیوتر برطرف شود. وی تأکید می‌کند که این دو تکنولوژی (کنفرانس از راه دور و شبکه‌های ریز کامپیوتر) فعلاً در دسترس و به طور منطقی مؤثرند.

توکیویاما آکیرا⁸ (1993) در تحقیقی با عنوان «نقش دانشگاه در آموزش ضمن خدمت معلمان» می‌نویسد: «دانشگاهها و مدارس محلی تعلیم و تربیت مسئول آموزش ضمن خدمت معلمان ژاپنی هستند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل

۵ . Armstrong et al.

۶ . Lortie

۷ . Davison

۸ . Tokuyama Akira

2300 مقاله و مدارک مربوط به آموزش ضمن خدمت نشان دهنده تأثیر سلايق معلمان در تحقيق در زمينه تعليم و تربيت و ديگر موضوعات است. موراگ⁹ (1948) ديدگاههاي 86 نفر از معلمان را در خصوص آموزش ضمن خدمت اجباري يا داوطلبانه و غير رسمي بررسي کرده است. يافته‌ها نشان داد که آموزش ضمن خدمت رسمي که تغييرات برنامه‌هاي اجباري را به همراه نداشت، در تغيير رفتار کلاس درس معلمان مؤثر نبود. يارگر سام.جي¹⁰ (1982) در گزارش تحقيقي خود که در زمينه آموزش ضمن خدمت معلمان نوشته شده است، مي‌گويد: «سه مشکل اساسي که امروزه در پيش روي آموزش ضمن خدمت معلمان قرار دارد، عبارت است از: 1. سياسي کردن آموزش ضمن خدمت؛ 2. نبود تعهد مؤسسه‌اي؛ 3. مشکل گنجاندن آموزش ضمن خدمت در ميان مسؤليتهاي معلمان ابتدائي و متوسطه. در تحقيقي که حسين عمويي (1378) با عنوان «بررسي علل روي آوردن فرهنگيان به ادامه تحصيل و آموزش ضمن خدمت در شهرستان ميبد» انجام داد، نتيجه گرفت که از ميان متغيرهاي مورد بررسي، متغيرهاي کسب مهارت و علم‌آموزي، الگوبودن براي فرزندان، برطرف ساختن مسائل اجتماعي و نيازهاي شخصي و درآمد بيشتر، مهم‌ترين تأثير را بر روي آوردن فرهنگيان به ادامه تحصيل و آموزش ضمن خدمت داشته‌اند.

9 . Morag

10 . Yarger Sam J.

در تحقیق دیگری که رضوان هاشمی فشارکی (1378) در باره بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان معلمان استان تهران به ادامه تحصیل در دوره‌های آموزش ضمن خدمت انجام داده، نتیجه گرفته است که افزایش حقوق (مزایا)، نیاز به پیشرفت و شکوفایی و دستیابی به مهارت‌های لازم از جمله عوامل مؤثری هستند که در گرایش معلمان به ادامه تحصیل در دوره‌های آموزشی مطرح می‌شوند.

روش تحقیق

در این تحقیق از روش پیمایشی¹¹ استفاده و نگرش معلمان دوره ابتدایی استان کردستان در مورد علل گرایش آنها به تحصیل در دوره‌های آموزش عالی بررسی شده است. برای این کار جامعه معلمان دوره ابتدایی استان کردستان که در دانشگاهها و سایر مؤسسات آموزش عالی به تحصیل مشغول بودند [807 نفر که 289 نفر از آنان زن و 518 نفر مرد بودند]، مد نظر قرار گرفتند.

نمونه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

براساس بخشنامه شماره 110/110436/58000-1379/11/11 مناطق و نواحی (16گانه) آموزش و پرورش استان کردستان برمبنای شاخص ارزیابی از کار مناطق به سه گروه تقسیم شده‌اند:

الف. مناطق برخوردار (ناحیه «1» سنندج، ناحیه «2» سنندج، سقز، بیجار، قروه و مریوان)؛

ب. مناطق نیمه برخوردار (کامیاران، بانه، دیواندره، سروآباد و دهگلان)؛

ج. مناطق محروم (موچش، زیویه، سریش آباد، کلاترزان و کرانی).

با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، ابتدا به صورت تصادفی از هر گروه 2 منطقه به این شرح انتخاب شدند: گروه الف. ناحیه 2 سنندج و قروه؛ گروه ب. دیواندره و سروآباد و گروه ج. موچش و سریش آباد. سپس، باتوجه به آمار معلمان مشغول به تحصیل در دوره ابتدایی مندرج در گزارش 1383/5/4-309 از هر منطقه یا ناحیه براساس نسبت زن و مرد در جامعه و با استفاده از جدول مورگان تعداد 260 نفر انتخاب شدند که 93 نفر زن و 167 نفر مرد هستند.

ابزار اندازه‌گیری

در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است که شامل دو بخش است: بخش اول شامل مشخصات دموگرافیک مربوط به ویژگی‌های نمونه از جمله جنسیت، وضعیت تأهل، سن، سابقه کار، دوره‌ای که تحصیل می‌کنند، رشته تحصیلی و تعداد واحدهای گذرانده شده است. بخش دوم شامل 42 سؤال [دارای اعتبار صوری و اعتبار محتوایی «0/8942»] است که مربوط به علل گرایش معلمان دوره ابتدایی به تحصیل در دوره‌های آموزش عالی است که

میان 260 نفر (93 زن و 167 مرد) توزیع و پس از جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از روش تحلیل رگرسیون چند متغیری، توزیع t ، ضریب همبستگی پیرسون، تجزیه و تحلیل واریانس و تحلیل مسیر¹² نتایج استخراج شد.

یافته‌های تحقیق

بررسی اطلاعات توصیفی مربوط به مشخصات دموگرافیک نمونه‌ها نشان دهنده آن است که بیشتر افراد نمونه را مردان (64/2 درصد) تشکیل می‌دهند و 78/1 درصد متأهل‌اند. میانگین سن افراد نمونه 30/84 سال و میانگین سابقه خدمت آنان 10/67 سال است. اکثر افراد نمونه (53/5 درصد) در دوره کارشناسی، 40 درصد در دوره کاردانی و 6/5 درصد در دوره کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل بوده‌اند. 62/3 درصد از آنان در رشته آموزش ابتدایی [مرتبط با پست آموزگاری] و 37/7 درصد در سایر رشته‌ها تحصیل می‌کردند.

نتایج به دست آمده از فرضیات تحقیق با استفاده از آزمون t در سطح (0/05) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که به شرح زیر است:

1. تمایل به افزایش حقوق در گرایش معلمان دوره ابتدایی استان کردستان به تحصیل در مراکز آموزش عالی مؤثر است ($t = 2/926$).

جدول 1- آزمون t مقایسه دو میانگین مستقل در مورد تمایل به افزایش حقوق در معلمان

Sig	df	t	انحراف معیار	میانگین	گروه معلمان
0/004	252	2/926	10/71	91/14	با تمایل بالاتر به افزایش حقوق
			12/14	86/93	با تمایل پایین تر به افزایش حقوق

2. نیاز به ارتقای پایگاه اجتماعی در گرایش معلمان دوره ابتدایی استان کردستان به تحصیل در مراکز آموزش عالی مؤثر است ($t = 9/183$).

جدول 2- آزمون t مقایسه دو میانگین مستقل در مورد نیاز به

ارتقای پایگاه اجتماعی معلمان

Sig	df	t	انحراف معیار	میانگین	گروه معلمان
0/000	250/976	9/183	9/14	95/25	با نیاز بیشتر به ارتقای پایگاه اجتماعی
			10/91	83/68	با نیاز کمتر به ارتقای پایگاه اجتماعی

3. تمایل به تدریس در دوره‌های بالاتر تحصیلی در گرایش معلمان دوره ابتدایی استان کردستان به تحصیل در مراکز آموزش عالی مؤثر است ($t = 6/365$).

جدول 3- آزمون t مقایسه دو میانگین مستقل در مورد تمایل به تدریس

در دوره‌های بالاتر تحصیلی در معلمان

Sig	df	t	انحراف معیار	میانگین	گروه معلمان
-----	----	---	--------------	---------	-------------

0/000	237/956	6/365	9/71	93/24	با تمایل بیشتر به تدریس در دوره‌های بالاتر تحصیلی
			11/85	84/56	با تمایل کمتر به تدریس در دوره‌های بالاتر تحصیلی

4. تمایل به احراز مشاغل بالاتر و مهم‌تر در گرایش معلمان دوره ابتدایی استان کردستان به تحصیل در مراکز آموزش عالی مؤثر است ($t = 4/838$).

جدول 4- آزمون t مقایسه دو میانگین مستقل در مورد تمایل به احراز

مشاغل بالاتر و مهم‌تر

Sig	df	t	انحراف معیار	میانگین	گروه معلمان
0/000	251	4/838	10/97	92/45	با تمایل بیشتر به احراز مشاغل بالاتر و مهم‌تر
			11/34	85/65	با تمایل کمتر به احراز مشاغل بالاتر و مهم‌تر

5. نیاز به افزایش توانایی کاربرد دانش و مهارت‌های شغلی در گرایش معلمان دوره ابتدایی استان کردستان به تحصیل در مراکز آموزش عالی مؤثر است (t = 9/291).

جدول 5- آزمون t مقایسه دو میانگین مستقل در مورد نیاز به افزایش توانایی کاربرد

دانش و مهارت‌های شغلی معلمان

Sig	df	t	انحراف معیار	میانگین	گروه معلمان
0/000	238/005	9/291	8/51	95/12	با نیاز بیشتر به افزایش توانایی کاربرد دانش و مهارت‌های شغلی
			11/40	83/37	با نیاز کمتر به افزایش توانایی کاربرد دانش و مهارت‌های شغلی

برای بررسی این سؤال که کدام یک از متغیرهای جنسیت (y_1)، وضعیت تأهل (y_2)، سن (y_3)، سابقه خدمت (y_4)، تعداد واحدهای گذرانده شده (y_5)، تمایل به افزایش حقوق (y_6)، نیاز به ارتقای پایگاه اجتماعی (y_7)، تمایل به تدریس در دوره‌های بالاتر تحصیلی (y_8)، تمایل به احراز مشاغل بالاتر و مهم‌تر (y_9) و نیاز به افزایش توانایی کاربرد دانش و مهارت‌های شغلی (y_{10}) بر گرایش به تحصیل در دوره‌های آموزش عالی (y) مؤثر است، از تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیری استفاده شده است، زیرا عوامل مؤثر بر گرایش معلمان دوره ابتدایی به تحصیل در دوره‌های آموزش عالی دارای ابعاد گسترده و چند بعدی است. نتایج حاصل نشان‌دهنده آن است که عوامل زیر به ترتیب بیشترین تأثیر را در گرایش معلمان دوره ابتدایی استان کردستان به تحصیل در دوره‌های آموزش عالی دارند:

1. نیاز به ارتقای پایگاه اجتماعی ($B = 1/195$)؛
 2. نیاز به افزایش توانایی کاربرد دانش و مهارت‌های شغلی ($B = 0/546$)؛
 3. تمایل به تدریس در دوره‌های بالاتر تحصیلی ($B = -0/346$)؛
 4. تمایل به احراز مشاغل بالاتر و مهم‌تر ($B = -0/502$).
- نکته حایز توجه این است که این چهار متغیر 57/4 درصد از واریانس علل گرایش معلمان به تحصیل در دوره‌های آموزش عالی را تبیین کرده‌اند و 42/6 درصد باقی مانده دلایل دیگری دارند که متغیرهای مورد بررسی آنها را

نسنجیده‌اند؛ یعنی با متغیرهای نیاز به ارتقای پایگاه اجتماعی، نیاز به افزایش توانایی کاربرد دانش و مهارت‌های شغلی، تمایل به تدریس در دوره‌های بالاتر تحصیلی و تمایل به احراز مشاغل بالاتر و مهم‌تر، می‌توان 57/4 درصد از گرایش به تحصیل در دوره‌های آموزش عالی را پیش‌بینی کرد.

جدول 6- میزان همبستگی تغییرات تبیین شده توسط چهار متغیر یاد شده

متغیرها	R	Rsquare
نیاز به ارتقای پایگاه اجتماعی، نیاز به افزایش توانایی کاربرد دانش و مهارت‌های شغلی، تمایل به تدریس در دوره‌های بالاتر تحصیلی و تمایل به احراز مشاغل بالاتر و مهم‌تر	0/762	57/4

به منظور تعیین معنادار بودن این تغییرات از تجزیه و تحلیل واریانس استفاده شد که نتایج زیر به دست آمد:

جدول 7- تحلیل واریانس متغیرهای چهارگانه

آماره منابع تغییر	df درجات آزادی	Ss مجموع مجذورات	Ms میانگین مجذورات	نسبت f	P Sig
Ry.y7y8y9y10	4	19813/316	4953/329	85/108	0,000
باقی مانده	246	14317/406	58/201		
جمع	250	34130/722			

جدول 8 - ضرایب، خطای استاندارد و سطح معناداری متغیرهای چهارگانه

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	سطح معناداری (Sig)
نیاز به ارتقای پایگاه اجتماعی	1/195	0/167	0/000
نیاز به افزایش توانایی کاربرد دانش و مهارت‌های شغلی	0/546	0/053	0/000
تمایل به تدریس در دوره‌های بالاتر تحصیلی	-0/346	0/078	0/000
تمایل به احراز مشاغل بالاتر و مهم‌تر	-0/502	0/089	0/000

با توجه به نتایج حاصل از جداول می‌توان معادله ریاضی مربوط به پیش‌بینی علل گرایش به تحصیل معلمان در دوره‌های آموزش عالی را به شکل زیر تدوین کرد:

$$y = 24,213 + 1,186y_7 + 0,549y_8 - 0,354y_9 - 0,494y_{10}$$

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

امروزه، اساس توسعه پایدار و همه جانبه بر محور توسعه انسانی است که به عنوان شاخص اصلی توسعه کشورها و ملت‌ها بیان می‌شود و از طرف دیگر، این انتظار و مسئولیت بزرگ بیشتر متوجه دانشگاه‌ها و نهاد آموزش و پرورش است. لذا، نهادهای آموزشی جامعه ما باید با تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص

شرایط تغییر و تحول محیط آموزشی در جهت پیشرفت علمی را مهیا سازند، چرا که در آینده هیچ شغلی به اندازه شغل معلمی با چالشهای اساسی و بنیادی در امر آموزش روبه‌رو نخواهد شد.

سرعت تحولات علمی در جوامع مختلف دنیا و کشف و ارائه نظریه‌های جدید در امر یادگیری و یاددهی فراگیران، گسترش و توسعه منابع اطلاع‌رسانی و انتقال اطلاعات به جامعه از جمله به دانش‌آموزان و دانشجویان، تسهیل امکانات و ارتباطات جدید برای دسترسی همگان به منابع اطلاعات و دانایی، ضرورت همگام سازی توانمندی معلمان با دانش و اطلاعات روز را صد چندان می‌کند و این امر به ویژه برای آن دسته از معلمانی که بنابر دلایلی از بنیه قوی علمی در دوران تحصیل برخوردار نبوده‌اند، امری حیاتی است. بنابراین، شیوه مطلوب آن است که از این امکان به عنوان یک فرصت استفاده شود و با تسلط بر منابع علمی و دانش روز موجبات رشد و تعالی بیشتر معلمان به خصوص معلمان دوره ابتدایی [به دلیل اهمیت این دوره در تحصیلات عمومی] و در نتیجه، دانش‌آموزان را فراهم ساخت. شرط تحقق این سیاست راهبردی تأمین و تربیت نیروی انسانی مجرب، متخصص و کاردان است، چرا که قرن بیست و یکم را قرن دانایی نامیده‌اند و این بدان معناست که اطلاعات، دانش و آگاهی اساسی‌ترین دارایی انسانها، ملتها و جوامع به شمار می‌آید. بنابراین، چنانچه معلمان خواستار پایگاه اجتماعی مطلوب‌تری هستند، ناچار باید به تحصیل در دوره‌های آموزش عالی بپردازند.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل رگرسیون در تحقیق حاضر نشان داد که نیاز به ارتقای پایگاه اجتماعی درگرایش معلمان دوره ابتدایی به تحصیل در دوره‌های آموزش عالی مؤثر است؛ پایگاه اجتماعی دو نوع است: پایگاه اجتماعی درون سازمانی و پایگاه اجتماعی برون سازمانی.

نیاز به ارتقای پایگاه اجتماعی از بعد درون سازمانی باعث می‌شود که معلمان دوره ابتدایی به افزایش دانش نیاز داشته باشند، ضمن اینکه نیاز به افزایش دانش نیاز به ارتقای سطح تحصیلات، معلومات و مهارت‌های شغلی را به دنبال دارد. امروزه، دانش‌آموزان به شبکه‌های مختلف اطلاع‌رسانی دسترسی دارند، با منابع جدید اطلاعات آشنا هستند و گاهی اوقات ممکن است با دانش و آگاهی خود معلومات معلمان را به چالش بکشند و این امر برای معلمان آسیبی عمده و خطری بزرگ محسوب می‌شود. بنابراین، معلمان این کمبود را احساس می‌کنند و بدین دلیل، می‌خواهند با تحصیلات عالی این نیاز اساسی خود را که همان نیاز به قدرت علمی بیشتر است برآورده سازند. از سوی دیگر، معلمان به تحصیلات دانشگاهی و آموزش مستمر نیاز خواهند داشت تا پایگاه اجتماعی خود را ارتقا بخشند. همچنین، افراد برای ارتقای پایگاه اجتماعی برون سازمانی به افزایش حقوق، احراز مشاغل بالاتر و مهم‌تر و تدریس در دوره‌های بالاتر تحصیلی تمایل دارند. تمایل به افزایش حقوق باعث می‌شود افراد به احراز مشاغل بالاتر و مهم‌تر تمایل داشته باشند و احراز مشاغل بالاتر و مهم‌تر باعث افزایش حقوق می‌شود. بنابراین، تمایل به افزایش حقوق و تمایل به احراز مشاغل بالاتر و مهم‌تر رابطه

دو سویه دارد.

همچنین، تمایل به افزایش حقوق باعث می‌شود که افراد به تدریس در دوره‌های بالاتر تحصیلی تمایل داشته باشند. تمایل به احراز مشاغل بالاتر و مهم‌تر بر نیاز به تحصیلات دانشگاهی تأثیر معکوس دارد، زیرا فردی که تحصیلات بالاتر دارد نیازمند به دست آوردن پایگاه اجتماعی به وسیله احراز مشاغل بالاتر و مهم‌تر نیست، بلکه خود تحصیلات بالاتر پایگاه اجتماعی بالایی را به همراه دارد و از طرفی، تمایل به تدریس در دوره‌های بالاتر تحصیلی نیز بر نیاز به تحصیلات دانشگاهی تأثیر معکوس دارد، بدین معنی که افرادی که تحصیلات دانشگاهی بالایی دارند فی‌نفسه پایگاه اجتماعی بالایی نیز دارند؛ بنابراین، آنها به تدریس در دوره‌های بالاتر تحصیلی برای به دست آوردن پایگاه اجتماعی بالاتر تمایل نشان نمی‌دهند. تأثیر معکوس این عوامل بر تحصیلات دانشگاهی نشان دهنده وجود تفاوت میان ارزشهای جامعه (برون سازمانی) و ارزشهای درون سازمان آموزش و پرورش است. این امر نشان می‌دهد که ارزشهای درون سازمان آموزش و پرورش از ارزشهای جامعه قدرت بیشتری دارد و تأثیری که عوامل درون سازمان آموزش و پرورش بر گرایش به تحصیلات دانشگاهی دارد، از عوامل برون سازمانی بیشتر است. بنابراین، می‌توان اطلاعات مذکور را بر اساس نتایج این تحقیق و بر مبنای جداول مربوط به صورت نمودار 1 خلاصه کرد:

ارائه شده در این تحلیل مسیر ذکر نشده است، زیرا در محاسبات این پژوهش مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. بنابراین، به کارگیری این دسته از متغیرها و روابط آنها با استفاده از مطالعه منابع تحقیقاتی به دست آمده است. گفتنی است که برای تحلیل مسیر حاضر از دو روش مطالعه کتابخانه‌ای و مطالعه میدانی استفاده شده است. لذا، می‌توان دریافت که مدل ارائه شده به صورت مدل نظری - تجربی ترکیب یافته است.

همان گونه که ذکر شد، تربیت نیروی انسانی در همه جوامع با اهمیت تلقی می‌شود و دولتها درصدد سرمایه‌گذاری بیشتر در این امر هستند. بنابراین، یکی از وظایف مهم سازمانها آموزش کارکنان خود برای رفع نیازهای مختلف شغلی آنان است. نقش آموزش کارکنان در زمینه‌های مختلف علمی، آموزشی و... در افزایش دانش کارکنان و همسان‌سازی اطلاعات آنها با نیازهای بازارکار در عصر حاضر و همچنین، هماهنگ ساختن نظام ارزشها و گرایشهای ذهنی آنان با شرایط جامعه امروز انکارناپذیر است و آموزش مستمر را ضروری می‌سازد.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل رگرسیون در تحقیق حاضر نشان داد که نیاز به ارتقای پایگاه اجتماعی و نیاز به افزایش توانایی کاربرد دانش، معلومات و مهارتهای شغلی بیشترین تأثیر را بر گرایش معلمان دوره ابتدایی استان کردستان به تحصیل در دوره‌های آموزش عالی دارند. بنابراین، سرمایه‌گذاری برای آموزش معلمان می‌تواند از نظر فردی و سازمانی ثمربخش باشد. با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

1. مدیران و مسئولان آموزش و پرورش به شوق و انگیزه تحصیلی معلمان جهت دهند و از آن در راه اهداف سازمان بهره جویند که این امر می تواند به دو طریق انجام شود: الف. از طریق آموزش عالی؛ ب. از طریق آموزش مستمر؛

2. از دانش و تخصص دانش آموختگان بموقع و در جایگاه مناسب آنان استفاده شود تا سایر افراد نیز به ادامه تحصیل رغبت پیدا کنند؛

3. آموزش معلمان استمرار داشته باشد و سازمانهای آموزش و پرورش و آموزش عالی با همکاری و هماهنگی لازم نیازهای آموزشی معلمان را مرتفع سازند؛

4. کمبودها، مشکلات و کاستی های تدریس در دوره ابتدایی از جمله کمبود حقوق و... در مقایسه با سایر دوره های تحصیلی به هر طریق ممکن جبران شود تا تفاوت های موجود در زمینه های یاد شده موجب فرار معلمان از دوره ابتدایی نشود؛

5. برگزاری سمینارها، همایشها و سخنرانی های علمی به کاربرد دانش معلمان تحصیل کرده کمک می کند، لذا، پیشنهاد می شود سازمانهای آموزش و پرورش استانها در حد توان و امکانات از این روشها برای تشویق معلمان به فراگیری دانش بیشتر استفاده کنند.

با توجه به نتایجی که از این تحقیق حاصل شد، پیشنهاد می شود که محققان به بررسی موضوعات زیر بپردازند:

1. نیازسنجی دوره های آموزش معلمان و برنامه های آموزشی قابل ارائه در این دوره ها؛

2. بررسی راههای ارتقای پایگاه اجتماعی معلمان دوره ابتدایی؛

3. بررسی علل ریزش نیروی انسانی در دوره ابتدایی و راههای جلوگیری از آن؛
4. بررسی میزان تأثیر تحصیلات معلمان دوره ابتدایی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان.

منابع

الف. فارسی

1. جارویس، پیتر (1381): آموزش بزرگسالان و آموزش مداوم؛ ترجمه دکتر غلامعلی سرمد، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت، ص. 48.
2. جمعی از اساتید مدیریت (1379): آموزش کارکنان؛ چاپ اول، جلد دوم، تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی، ص. 87.
3. صفوی، امان الله (1372): «آموزش ضمن خدمت معلمان، چشم‌انداز جهانی»؛ فصلنامه مدیریت آموزشی، شماره 3 (پاییز)، تهران، ص. 12.
4. طاهری، محمدرضا (1377): بررسی تأثیر آموزشهای ضمن خدمت کوتاه مدت و بلندمدت بر کارآیی شغلی معلمان؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، ص. 79.
5. عمویی، حسین (1378): بررسی علل روی آوردن فرهنگیان به ادامه تحصیل و آموزش ضمن خدمت در شهرستان میبد؛ پایان نامه دوره کارشناسی، دانشگاه خواجه نصیر کرمان.

6. هاشمی فشارکی، رضوان (1378)؛ بررسی عوامل مؤثر برگرایش دانشجو معلمان استان تهران به ادامه تحصیل در دوره‌های آموزش ضمن خدمت؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
7. هلک، ژاک (1371)؛ سرمایه‌گذاری برای آینده آموزش و پرورش؛ ترجمه عبدالحسین نفیسی، چاپ اول، تهران: انتشارات مدرسه، ص. 24.

ب. لاتین

۱. Akira, Tokuyama (۱۹۹۳); "The Role of the University in the Inservice Education of Teachers"; **Peabod Journal of Education, Spr.**, Vol. ۶۸, No. ۳, P. ۸۰۰.
۲. Armstrang, David & Others (۲۰۰۱); **Teaching Today an Introduction to Education**; Sixth Edition, Newjericy, Colombus, Ohio, P. ۳۸.
۳. Davison, David M. (۱۹۸۵); "Using New Technology to Provid Inservice Education for Rural Teachers"; **Small School Forum**, Vol. ۶, No. ۳, pp. ۲۱-۲۲.
۴. Johenston, J. W. C. & R. J. Rivera (۲۰۰۲); **Analyzing, The Evolving Structure of Adult Education**; San Francisco, Jossey Bass, P. ۶.
۵. John, F. C. (۲۰۰۰); **Teacher Evaluation**; Mc Grow- Hill, Newjericy, P. ۲۵.
۶. Morag, Pansegrau (۱۹۴۸); "Teachers Perspectives on Inservice Education"; **Journal of Educational Research**, Vol. ۳, No. ۴, P. ۲۳۹.

7. The Carnegie Commission in Higher Education (۱۹۹۷); **Toward a Learning Society**; Mc Grow – Hill Book Company, Hightston; Newjercy, P. ۱۳.
۸. Yarger, Sam J. (۱۹۸۲); “Inservice Education”; **National Commission on Excelece in Education**; Washington, DC, ED ۲۲۷۰۷۵۰.